

همه نباید حاتمی‌کیا باشند!

سید محمد حسینی مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس در گفت و گو با خراسان، از چالش‌های سینمای دفاع مقدس گفت و از آثار انجمن دفاع کرد



مصطفی قاسمیان
info@khorasannews.com

سینمای دفاع مقدس در سال‌های اخیر با چالش‌های مختلفی مواجه بوده که باعث شده نتواند همچون دهه‌های گذشته، پرفروغ باشد و سهم زیادی از مخاطبان سینما به دست آورد. فیلم «جانشین» محصول جنگی جدید انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس نیز در همین شرایط به اکران رسیده و در هفته‌های نخست اکران نتوانسته به گیشه خوبی دست یابد. سید محمد حسینی مدیرعامل انجمن که به مناسبت هفته دفاع مقدس و نمایش این فیلم در سینماها، میهمان تحریریه خراسان شد، ضمن دفاع از کیفیت آثار انجمن، از تشریح دشواری‌های تولید این آثار و تلاش برای بازتعریف جایگاه جشنواره فیلم مقاومت گفت و تأکید کرد اگر شرایط فراهم باشد، بازهم درباره فرزندآوری فیلم خواهد ساخت! در ادامه مشروح این گفت و گو را می‌خوانید.

انجمن این روزها فیلم «جانشین» را روی پرده دارد. از وضعیت اکران و نمایش فیلم در سینما راضی هستید؟

خدا را شکر، به نظر من اتفاق خوبی در حال رخ دادن است. به هر حال، ما با یک چالش جدی در مسائل مربوط به اکران عمومی در کشور مواجه بودیم. به ویژه به دلیل ماجرای جنگ و اتفاقاتی که رخ داد و کودکی که در پی آن ایجاد شد. سوای این مسئله، فضای عمومی کشور هم شرایط خاصی داشت. اساساً اکران آثار سینمایی دفاع مقدس به دلایل مختلف با چالش‌های جدی مواجه است که بخشی از آن قابل گفتن نیست. برای مثال، شمار قبایی دارید که مخاطبان سینما رو هستند و بخش قابل توجهی از تغذیه رسانه‌ای آن‌ها از ماهواره و رسانه‌های خارج از کشور است. طبیعی است که در تبلیغات این رسانه‌ها چیزی به نام سینمای دفاع مقدس نمی‌بینند. بنابراین شما بخشی از جامعه‌ای را که به سینما می‌رود، از دست می‌دهید.

سینمای دفاع مقدس تبلیغات محیطی دارد. شهرداری‌ها به خصوص شهرداری تهران، خیلی کمک می‌کنند.

این‌ها را داریم، اما آن‌ها همیشه تبلیغاتی که سینمای طنز به دلیل مسائل اقتصادی به خود اختصاص می‌دهد، در اختیار سینمای دفاع مقدس و دیگر گونه‌ها نیست. بخشی از این مسئله هم به این دلیل است که بازار این آثار در مقطعی خالی شده بود و در یک دور، تولید آثار سینمای دفاع مقدس بسیار کم شد.

منظورتان چه سال‌هایی است؟ هرسال فیلم دفاع مقدس داریم.

ما دور‌های مختلفی داریم. مثلاً در دهه ۷۰، سینمای دفاع مقدس آن قدر باشکوه بود و حجم تولیدات آن قدر بالا بود که علاوه بر جشنواره فیلم فجر، جشنواره‌های مجزای آثار سینمای دفاع مقدس برگزار می‌شد که بعدها به جشنواره مقاومت تبدیل شد. بعدها به نظر وارد نوعی مطالبه‌گری شدیم که بخشی از آن هم غیرواقعی بود. خود من هم به عنوان منتقد و در آن همکار شما، در آن سال‌ها مرتکب چنین خطاهایی شدم.

مطالبه‌گری درباره چی؟

این که انتظار داشتیم همه حاتمی‌کیا باشند! در حالی که این تنوع، این تفاوت نگاه و این فرازونشیب‌ها جزئی از زیست‌بوم این سینماست. به نظر من در مقطعی، کمیت خودش دالالت بر کیفیت می‌کرد، اما ما آن کمیت را رعایت نکردیم و تعداد آثار سینمای دفاع مقدس بسیار محدود شد. امروز تولید این آثار هم بسیار سخت شده است.

یعنی شما مشکلات امکانات دارید؟

مشکل وجود ندارد، اما اگر داور آن امکانات در شرایط موجود سخت شده است. یک بازگیر معمولی سینمای طنز ممکن است همزمان در دو پلتفرم کار داشته باشد و یک فیلم سینمایی دیگر هم در دست تولید داشته باشد و همزمان تأثیر اجرا کند. یعنی ۴-۵ پروژه را بدون تغییر جدی در ظاهر و گریم دنبال می‌کند. اما وقتی وارد سینمای دفاع مقدس می‌شوید، ما چرا کاملاً متفاوت است. همین مسئله را می‌توان در طراحی صحنه دید. اگر امروز بخواهم درباره دوره ساسانی، صفوی یا قاجار فیلم بسازم، چالش طراحی صحنه به مراتب کمتر است.

بله، کسی که ساسانیان را ندیده.

بله، خیلی طراحی صحنه ساده‌تر می‌شود، اما وقتی وارد دهه ۶۰ می‌شویم، حتی خود کاری که در دست یک کاراکتر قرار می‌گیرد باید استدلال باشد. دور بین هر طرف که بچرخد، خاطره جمعی جامعه از آن دوره وجود دارد و همین خاطره جمعی باعث می‌شود اثر گران‌تر تمام شود، چون باید همه چیز را طراحی و بازسازی کنیم.

البته آن مطالبه‌گری هم کاملاً بیراه نیست. مخاطب و منتقد می‌گویند.

وقتی ۵ یا ۶ یا ۱۰ میلیارد تومان از بیت‌المال برای ساخت یک فیلم هزینه می‌شود، طبیعتاً انتظار داریم اثری با کیفیت مناسب ببینیم. نه این که الزاماً انتظار داشته باشیم

فیلم در حد آثار ابراهیم

حاتمی‌کیا باشد، اما

انتظار داریم آقای

شامحمدی اثری

در حد «مجنون»

اثربخشی خودش

بسازد و کیفیت

فیلم‌ها پایین نیاید.

من معتقدم کیفیت کار ایشان

در «جانشین» پایین نیامده است.

این فیلم یک چالش اساسی دارد. شما در این فیلم با اثری مواجه هستید که می‌خواهد مفهوم «طراحی عملیات» را که در دوره دفاع مقدس وجود داشته، عیناً نشان دهد. این مفهوم ممکن است در نگاه اول خشک، نظامی و غیرمتعطف به نظر برسد و ترکیب کردن آن با روایت سینمایی ساده نباشد، اما خود این روایت تا امروز کمتر به تصویر کشیده شده است. ما معمولاً کالک‌ها و نقشه‌های عملیاتی را نشان می‌دهیم و دوباره کات می‌زنیم و وارد صحنه عملیات می‌شویم.

و نزدیک به یک و نیم میلیارد تومان

فروخت. از این میزان راضی هستید؟

شاید حتی به ۱۰ میلیارد تومان هم

نرسد.

این مسئله فقط برای فیلم‌های ما نیست. این مسئله به اوج، حوزه هنری و مجموعه عوامل مختلف هم مربوط می‌شود. بخشی از آن هم به این برمی‌گردد که اساساً بازار رقابتی، فضای کامل و مناسبی برای این آثار فراهم نکرده است.

چه می‌شود که در دهه ۶۰ فیلم‌هایی

مثل «عقاب‌ها» ساخته می‌شوند و چند

میلیون تماشاگر را به سینما می‌کشاند،

اما امروز نمی‌توانیم چنین اتفاقی را

تکرار کنیم؟

ما باید بافت اجتماعی دوره‌ای را که فیلم‌های دهه ۶۰ و ۷۰ در آن ساخته می‌شدند، در نظر بگیریم. گفت‌وگو غالب جامعه آن زمان، مسئله جنگ و دفاع مقدس بود. جامعه‌ای که روحیه انقلابی و دفاع مقدسی در آن پررنگ بود، تمایل داشت خودش را در آینده سینما ببیند و زمینه اجتماعی این اتفاق هم فراهم بود. ضمن این که عنصر تخیل هم در آن دوره راحت‌تر اعمال می‌شد. مثلاً ویژگی‌های فیزیکی بازیگرانی مانند هاشم پور این امکان را به کارگردان می‌داد که از آن‌ها در سینمای اکشن استفاده کند.

فرامرز قریبیان و دیگر بازیگران هم در فیلم‌های اکشن آن دوره چنین کار کردی داشتند. اما وقتی وارد سینمای دفاع مقدس امروز می‌شویم، باید به ماهیت دفاع مقدس هم توجه کنیم. همین مسئله، یک چالش جدی در فیلم‌ها می‌نماید. چون ما از آن فیزیک به سمت معنا حرکت کرده‌ایم.

کمی درباره جشنواره

فیلم مقاومت هم

صحبت کنیم. منتقدان

آن می‌گویند این جشنواره عملاً

سیاستگذاری مشخصی نمی‌کند و

نمی‌تواند در هدایت سینمای ایران نقش

ایفا کند. همان فیلم‌هایی که در جشنواره

فجر حضور داشته‌اند، دوباره در جشنواره

مقاومت نمایش داده می‌شوند و برخی

آثاری که ارتباط چندانی با مقاومت

ندارند، حتی جایزه می‌گیرند. این

جشنواره همیشه در محافل سینمایی

محل نقد بوده است.

بله، خیلی طراحی صحنه ساده‌تر می‌شود، اما

وقتی وارد دهه ۶۰ می‌شویم، حتی خود کاری

که در دست یک کاراکتر قرار می‌گیرد باید

استدلال باشد. دور بین هر طرف که بچرخد،

خاطره جمعی جامعه از آن دوره وجود دارد و

همین خاطره جمعی باعث می‌شود اثر گران‌تر

تمام شود، چون باید همه چیز را طراحی و

بازسازی کنیم.

یعنی آمریکایی در آمریکا برای جنگ

رمضان ما فیلم ساخته و برای جشنواره

فیلم مقاومت فرستاده؟

بله، لاف ۲۰ فیلم آمریکایی داریم.

فیلم بلند؟

بله، بعضی بلند و بعضی کوتاه است. امسال آمار عجیبی از فیلم‌های خارجی در دبیرخانه داریم و به نظر من رویکرد بین‌المللی جشنواره تازه دارد شکلی می‌گیرد. در عین حال، وقتی آثار جشنواره فجر وارد جشنواره مقاومت می‌شوند، قرار نیست جشنواره مقاومت دقیقاً همان رویکرد جشنواره فجر را داشته باشد.

جشنواره مقاومت از رویه دیگری به آثار نگاه می‌کند، چون طبیعت و موضوع متفاوت است و تنها جشنواره ایدئولوژی محور کشور یا منطقه محسوب می‌شود. امثال بنده در جشنواره فیلم فجر، به دلیل خلأ ایدئولوژیکی، شعار خوشمزه عوام‌فریبانه «بهار سینمای ایران» را خلق کردیم که خودمان هم می‌دانیم مزخرف است، یعنی رویکرد ندارد و قرار نیست جریان‌سازی یا مدیریت پسینی انجام دهد، اما جشنواره مقاومت از همان نامش تکلیف خودش را روشن کرد و اگر روی آن پافشاری کند، می‌تواند جریان‌ساز باشد، چون خارج از زیست‌بوم جشنواره‌های جهان است. جشنواره مثل مسئله پخش، یکی از نوامیس سینمای آمریکاست.

جشنواره‌ها که بیشتر اروپایی‌اند.

ولی توسط آمریکایی‌ها مدیریت می‌شوند. در همان دوره‌ای که فون‌تریبه به عنوان پسر خوب جشنواره کن از این رویداد اخراج شد، رئیس جشنواره رابرت دنیرو بازیگر آمریکایی بود.

می‌تواند نقش مهمی ایفا کند.

شما در دوره‌ای که جشنواره جهانی فجر را

در جشنواره ملی ادغام کردند، همچنان

از مدیران بودید و اتفاقاً رابطه‌تان با آقای

خزاعی و دوستانشان خوب بود. آیا به

آن‌ها نگفتید جشنواره را ادغام نکنند تا

خراب نشود؟

گاهی اوقات چیزهایی از سادگی سخت می‌شود. من موافق نبودم و چند بار هم با دوستان صحبت کردم، اما شاید آن زمان مسئله فقط هزینه و مسائل اجرایی نبود و ملاحظات دیگری هم وجود داشت که در نهایت به چنین تصمیمی منجر شد. با این حال، همچنان

معتمد جدا کردن جشنواره فیلم فجر ملی از

جشنواره فیلم جهانی فجر تصمیم درستی بود.

این کار زمینه را فراهم کرد که دو جشنواره پویا

داشته باشیم.

شما در حوزه تولید، آثاری هم درباره

موضوعات اجتماعی ساخته‌اید. مثلاً

فیلم «دوروز دیرتر» را درباره فرزندآوری

که اتفاقاً کم‌دی هم بود. چرا انجمن

سینمای انقلاب و دفاع مقدس باید

درباره فرزندآوری فیلم کم‌دی بسازد؟

این موضوع برای خیلی‌ها عجیب بود.

اگر به من باشد، باز هم به سمت ساخت کم‌دی

درباره فرزندآوری می‌روم.

چه ربطی به انجمن سینمای انقلاب و

دفاع مقدس دارد؟

به نظر من گاهی اوقات باید برخی مسائل را به زبان

خودشان مطرح کنیم و نباید الزاماً همیشه به

زبان جدی و رسمی سراغ آن برویم. به نظر من بیان



شیرین و کم‌دی برای چنین موضوعی می‌تواند درست و منطقی باشد. می‌دانید آن فیلم را قرار بود ابتدا آقای رضا مقصودی بسازد. ایشان بعد از «خجالت

بنابر این جشنواره‌ها به عنوان یکی از ابزارهای اصلی اعمال مدیریت پسینی در سینما استفاده می‌شوند، چون مدیریت در عرصه سینما نمی‌تواند صرفاً مستقیم باشد. نمی‌توان دائماً سفارش داد، دستور داد و بالا به پایین برای هنرمند تعیین تکلیف کرد. باید زمینه را فراهم کرد تا خلایق هنرمند بروز کنند.

ولی ما همچنان داریم این کار را انجام

می‌دهیم!

[با خنده] این دیگر طبع ماست. به طور کلی عالم هنر این گونه است و باید زمینه را برایش فراهم کرد. به هر حال به نظر من

جشنواره‌های دنیا، به جز جشنواره مقاومت و تا حدی جشنواره جهانی فجر - که آقای میرکریمی تلاش شایسته‌ای در آن انجام داد و رده الف گرفت - یک کار ثابت و روتین انجام می‌دهند. اگر جشنواره مقاومت بتواند بازیگری درستی انجام دهد،



نکش» می‌خواست یک فیلم مشابه بسازد و من هم خودم «خجالت نکش» را خیلی دوست دارم، اما اتفاقات سال ۱۴۰۱ رخ داد و شرایط پیچیده‌ای ایجاد شد و آقای مقصودی نتوانست کار را انجام دهد و پروژه متوقف شد. در آن شرایط، آقای نعیمی قبول کرد که فیلم را بسازد. به نظر من شجاعت می‌خواست؛ چون آن زمان هر کسی که پشت دوربین می‌رفت، فارغ از این که چه کسی بود، با شرایط بسیار سختی مواجه می‌شد.

می‌پرسیدند چرا کار می‌کنی!

بله. آقای نعیمی می‌گفت: طرف توی صورت‌تم به من فحش می‌دهد که چرا کار می‌کنی؟! از او می‌پرسم خودت از کجا می‌آیی؟ می‌گوید: از سر کار! خب چرا تو باید کار کنی و من نباید کار کنم؟

با همه این موارد اما نتیجه فیلم خوب

نشد.

به اندازه خودش خوب بود و من انتظار بیشتری نداشتم. در آن بحران تقریباً حال همه بد بود و بسیار سخت بود که بتوان خنده ایجاد کرد و از مخاطب خنده گرفت.

اصرار داشتیم فیلم به جشنواره برسد؟

چون معمولاً این نوع فیلم‌ها در

جشنواره واکنش‌های منفی دریافت

می‌کنند و دیدیم که همین اتفاق هم

افتاد.

مسئله، جدی بود. یکی از بزرگ‌ترین معضلات امروز ما این است که داریم خودمان را منقرض می‌کنیم و باور نمی‌کنیم که چنین مسئله‌ای وجود دارد. موضوع فرزندآوری یکی از چهره‌های اصلی مسئله امروز کشور است. اگر

نتوانیم درباره این موضوع حرف بزنیم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ مادر جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که برخی مسائل را می‌بینیم، اما جرئت نداریم درباره‌شان حرف بزنیم. مثلاً دختر جوانی که به سن مادری نزدیک شده،

ممکن است میل به مادر شدن داشته باشد، اما به جای آن سگی را در آغوش بگیرد و احساسات مادرانه خود را با آن تجربه کند. به نظر من باید این مسئله را ببینیم و درباره آن حرف بزنیم.

بله درست است، اما جایگاه این حرف،

انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس

نیود.

به لحاظ شناخت مسائل، من معتقدم حوزه سینمای انقلاب و دفاع مقدس باید شبیه همان چیزی عمل کند که خود بدنه بسیج و سپاه عمل می‌کند، یعنی هر جا بحرانی وجود دارد، بگوید من هستم. اگر از نظر مالی دستمان باز بود، حتماً سراغ سینمای اقتصادی می‌رفتم. چرا نباید درباره تراستی‌ها فیلم بسازیم؟ بعضی حرف‌ها را سینما باید بزند و باید محکم جلوی برخی مسائل بایستد. این هم بخشی از جنگ است. موضوع فرزندآوری هم یکی از مسائل بسیار جدی نظام است. مثلاً امروز مسئله آب برای من مهم است و ممکن است درباره آن فیلم بسازم. حتی برای این موضوع با آقای علی‌آبادی وزیر نیرو هم صحبت کردم. نباید فکر کنیم همه چیز فقط جنگ است.

